

**تلنگر**

**چرا در خیابان‌های تهران**

**خبری از حال و هوای ماه رمضان نیست؟**



با وجود این‌که شهرداری‌ها به‌عنوان یکی از نهادهای محلی و مجری توسعه شهری در کشور، وظیفه دارند تا برای نمای شهری، گرافیک و تبلیغات محیطی تدابیر خاصی اتخاذ کنند اما با گذشت دو روز از ماه مبارک رمضان هنوز خبری از تزئینات و آیین‌بندی و استفاده از نمادهای این ماه مبارک در شهر تهران نیست. تهرانی‌که به‌عنوان پایتخت کشور باید سرآمد سایر شهرها و مخصوصا شهرداری‌ها باشد اما هنوز خودش در بلاتکلیفی به‌سر می‌برد و گویا تقارن ماه رمضان و عید نوروز، سر شلوغی عجیبی را برای به اصطلاح زیباسازان شهری رقم زده‌است. البته بهمانند که در ماه رمضان گذشته نماد پنج متری که کپی و تقلیدی ناشیانه از موزه آینده دبی بود و استفاده از این نمادها در تهران، یک هزینهٔ ۱۱میلیارد تومانی ناقابل برای شهرداری تهران رقم زد. نمادی که قرار بود حال و هوای شهر را رضایی‌کند اما جایگذاری نامناسب آن در سطح تهران، نه فقط حال مردم را تغییر نداد، بلکه با انتقاده‌ها و نارضایتی‌های زیادی همراه شد. از همه اینها که بگذریم به طراحی‌ها، گرافیک و محتواهای ضعیف و بسیار ابتدایی شهرداری می‌رسیم، بیلبوردهایی که نه فقط اسمال با همان محتواهای رضائی نصب نشده‌اند، بلکه اکثرا از منظر بصری و هنری به حدی ابتدایی هستند که بعید به نظر می‌رسد تاثیر خاصی روی بیننده بگذارند. به نظر می‌رسد عوارض‌های دریافتی شهرداری از مردم کفاف هزینه‌های گرافیسیت‌ها را نمی‌دهد و آنها مجبورند از کارآموزان این رشته برای طراحی بیلبوردها و المان‌های شهری استفاده کنند. این در حالی است که در بسیاری از کشورهای غربی و اروپایی شاهد استقبال چشمگیری از این ماه مبارک هستیم. همین دوروز گذشته بود که مسئولان شهر فرانکفورت آلمان همراه با مسلمانان این شهر، برنامه‌های ویژه‌ای برای جشن گرفتن ماه رمضان تدارک دیدند و برای اولین بار از تزئین این شهر با چراغ به مناسبت این ماه از آن استقبال کردند. از این دست نمونه‌ها در سایر کشورها کم نداریم، برای مثال در رمضان سال گذشته، خیابان کانتری در لندن با ۴۰ هزار چراغ تزئین شد. با وجودی که این ماه، ماهی است که مسلمانان سراسر جهان از آمدن آن خوشحال هستند اما هنوز مسئولان زیباسازی شهرداری تهران، با خوشحالی مردم شریک نشده و حال و هوای رضائی را در بین مردم ساطع نکردند. این نوع از کم‌کاری‌ها توسط شهرداری تهران مخصوصا در چنین مناسبت‌ها و آیین‌های ملی و مذهبی‌ای که بسیار برای کشور و مردم مهم است، نمره منفی‌ای را در کارنامه شهرداری ثبت می‌کند.

**حق با شماست**

**پیامک: ۰۳۰۰۰۱۱۲۲۰ - تلفن گویا: ۰۴۴۴۰۲۳۰۰۴۱**

**# شاخص - دستکاری جمعی از سهامداران:**

برای سازمان بورس و وزارت اقتصاد خیلی بد است که هر روز شاخص بورس را دستکاری می‌کنند تا نشان دهند اوضاع این بازار وخیم نیست. چگونه است ۸۰ درصد بازار منفی است ولی شاخص فقط ۳۰۰ واحد منفی است؟ این درحالی است که با کوچک‌ترین اتفاق مثبت به یکباره ۵۰ هزار واحد مثبت می‌خورد.

**# بازارگردان - بورس رستمی از تهران:**

از وقتی بازارگردان‌ها به جان بورس کشور افتاده‌اند سرمایه

سهامداران در حال از بین رفتن است. وقتی این افراد فقط دنبال منافع شخصی خود هستند چگونه توقع درست شدن این بازار را ننی داریم؟

**# کالابرگ - فروشگاه شکوری از تهران:**

چرا هنوز تعیین دستمزد و حقوق کارگران برای سال ۱۴۰۳ تعیین نشده است؟ گویا دولت به دنبال تعیین این وضعیت در تعطیلات است تا حداقل افزایش اعمال شود.

**# سکه - بانک مرکزی رفتهن از تهران:**

با فروش قطره‌چکانی سکه توسط بانک مرکزی، بازار کنترل نمی‌شود و برعکس عطش خرید برای سکه و طلا افزایش می‌یابد. چه زمانی قرار است این وضعیت سامان یابد؟

**برگزاری آزمون شبه‌نهایی در سال جدید**

محسن زارعی، رئیس مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت وزارت آموزش و پرورش گفت: در دهه آخر فروردین آزمون‌های شبه‌نهایی به صورت هماهنگ و همزمان در سراسر کشور با محوریت دبیرخانه‌های راهبردی کشوری با چهار عنوان درسی، دو درس تخصصی و دو درس عمومی در هر پایه از سه‌پایه دوره دوم متوسطه برگزار می‌شود. / جام جم



**ثبت‌نام علوم پزشکی‌ها در سامانه واسط**

امیر مختاری، مشاور معاون آموزشی وزارت بهداشت گفت: سامانه واسط پذیرفته‌شدگان در راستای شفافیت و ساماندهی اطلاعات دانشجویان در دانشگاه‌ها برای ورودی سال ۱۴۰۴ طراحی شده است و از این پس تمام افراد در هر مقطع و رشته‌ای که پذیرفته شوند از طریق این سامانه ثبت‌نام می‌شوند. / مهر



**مهاجرت بحرانی پرستاران کشور**

ابوالقاسم ابوطالبی، عضو شورای عالی نظام پرستاری گفت: سال گذشته نزدیک به ۳۰۰۰ پرستار مهاجرت کردند، در صورتی‌که در دانشکده‌های ما حدود ۱۰ هزار نیرو تربیت می‌شوند و این حجم خروج از کشور فاجعه است و این موضوع به مرز بحران رسیده و لازم است دولت فکری به حال مهاجرت پرستاران کند. / مهر

**دکتر محمد صادق کوشکی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «جام‌جم» مطرح کرد**

# فرار دانشگاه آزاد از نظارت

**نظارت بر دانشگاه آزاد از آن موضوعات پیچیده‌ای است که نه مسئولان این دانشگاه تمایلی به آن دارند و نه مسئولان و نهادهای متولی نظارت در سال‌های طولانی که از عمر این دانشگاه می‌گذرد نسبت به آن رغبت نشان داده‌اند. پس نتیجه این شده که دانشگاه آزاد برای خود حکومتی خودمختار دارد و متولیانِ همچون وزارت علوم، شورای عالی انقلاب فرهنگی و حتی مجلس شورای اسلامی فقط تماشاچی وقایع شده‌اند. دکتر صادق کوشکی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران که مصاحبه‌شونده‌ای مریح و بی‌تعارف است درباره این وضعیت مفصل با جام‌جم صحبت کرد و به تشریح آنچه که رویکردهای غلط دانشگاه آزاد با جامعه از یک سو و جایگاه علم و دانش از سوی دیگر کرد، پرداخت. در واقع او مدافع شرافت علم و جایگاه دانشگاه است که به‌زمع وی در سایه غفلت‌های مختلف توسط دانشگاه آزاد مورد حمله قرار گرفته است؛ چالشی که به اعتقاد وی با نظارت پذیر شدن دانشگاه آزاد و خروج وزارت علوم و شورای عالی انقلاب فرهنگی از زخوت فعلی حل شدنی است.**

**مریم خیاب**

**گروه جامعه**

**[۱] شما یکی از منتقدان رویکردها و عملکردهای دانشگاه آزاد و یکی از مدافعان نظارت بر این دانشگاه هستید. به چه دلایلی معتقدید که دانشگاه‌آزاد باید تحت نظارت قرار بگیرد؟**

پدیده‌ای به نام دانشگاه آزاد در کشور ما ظاهرا در پاسخ به این تقاضا ایجاد شد که تعداد زیادی از جوانان کشور مایل به تحصیلات دانشگاهی هستند و دانشگاه‌های دولتی توان پاسخگویی به این تعداد را ندارند. مثلا حامی اصلی دانشگاه آزاد که آقای هاشمی رفسنجانی بود، بارها اعلام کرد که ما سالانه با هزاران جوانی روبه‌رو هستیم که می‌خواهند دانشجو شوند ولی دانشگاه‌های دولتی ظرفیت‌پذیرش این تعداد را ندارند، بنابراین جوانان ایرانی با باید با هزینه‌های گزاف به دانشگاه‌های خارج از کشور بروند و تحصیل کنند (که آن هم زیان‌هایی دارد) یا این‌که از تحصیل باز میمانند. برای همین دانشگاه آزاد را تأسیس می‌کنیم تا بتواند پاسخگوی نیاز جوانان کشور برای تحصیلات عالی‌به‌باشد. اما متأسفانه از ابتدای تأسیس این دانشگاه تا امروز آن چیزی که ذهن دانشگاهیان کشور را نگران می‌کرد این بود که آیا دانشگاه آزاد، استانداردها و تحصیلات عالی‌به‌علمی را رعایت خواهد کرد یا نه با این‌که آیا صرفا مکانی خواهد شد برای ورود عده‌ای به آن و خروج

از دانشگاه با یک مدرک تحصیلی. آن هم با هر کیفیتی. متأسفانه دانشگاه آزاد در بیشتر مواقع نقش دستگاهی برای تولید مدرک را بازی کرد و موارد بسیار متعددی وجود دارد که ثابت می‌کند دانشگاه آزاد و مسئولان آن به‌خصوص در دهه‌های ۷۰ تا ۹۰ شمسی یعنی در عرض ۲۰ سال عملا با یک توسعه بسیار کمی و بدون توجه به استانداردهای علمی، میلیون‌ها دانشجو را پذیرفتند و بدون ملاحظات علمی واقعی به آنها مدرک تحصیلی دادند. پس عملا اتفاقی که افتاد این بود که تعداد

دانشجویان کشور چند برابر شد در حالی که تعداد اساتید، کتابخانه‌ها و آزمایشگاه‌ها چند برابر نشده بود. ما شاهد بودیم که دانشگاه آزاد افتخار می‌کرد به این که در دورترین مناطق شعبه دارد و تامل‌رانگیز این که این واحدها در دورترین مناطق، در عرض چند سال دانشجوی دکتری را هم می‌پذیرفتند. جالب اینجا بود که ملاقاتی در دانشگاه‌های دولتی تهران برای برخی از رشته‌ها با احتیاط دوره دکتری ایجاد می‌شد، همان رشته‌ها در شهرستان‌های خیلی دور، دوره دکتری را با شجاعت تأسیس می‌کردند. یا مثلا وقتی در دانشگاه‌های دولتی درجه یک، سقف‌پذیرش دانشجوی دکتری در یک کلاس پنج تاشش نفر بود، مشاهده می‌کردیم این کلاس‌ها در واحدهای دانشگاه آزاد در شهرستان‌های دور با ۲۰ نفر برگزار می‌شود؛ درحالی که این سؤال مطرح بود که اساتید به‌عنوان محور آموزش از کجا تأمین می‌شوند و اصلا این کلاس‌ها چه کیفیتی دارند. متأسفانه در طول دو دهه‌ای که درباره‌اش صحبت می‌کنم صدها هزار جوان وارد چرخه آموزش دانشگاه آزاد شدند و از آن بیرون آمدند در حالی که استانداردها و کیفیت علمی لازم را نداشتند. ولی مدرکی داشتند برابر با دانشگاه‌های دولتی.

**[۲] شما در واقع درباره توسعه کمی شتابان و افسارگسیخته در دانشگاه آزاد صحبت می‌کنید. حالا سؤالم این است که در این مسیر آیا فقط دانشگاه آزاد مقصر است یا همه کسانی که نشستند و تماشا کردند نیز مقصر هستند؟**

واقعیت این بود که دانشگاه آزاد از حمایت شخصیتی مثل آقای هاشمی رفسنجانی برخوردار بود و از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰ دانشگاه آزاد معمولا سعی می‌کرد مشکلات احتمالی خودش را با استفاده از رفتارهایی که می‌توانیم به آنها دور زدن قانون بگوییم، حل کند. به‌طور مثال دانشگاه آزاد خودش را به‌عنوان نهاد توسعه‌در بسیاری از مناطق دوقواتده ایران جا زده بود و در شهرهای کوچکی که مایل بودند و عطش داشتند که به یک شهر توسعه‌یافته

**[۳] شما به بخشی از آسیب‌های ناشی از گسترش بی‌قاعده دانشگاه آزاد اشاره کردید که همان آسیب‌های آموزشی بود اما به نظر می‌رسد دانشگاه آزاد مولد آسیب‌های دیگری نیز بوده، مانند آسیب‌های فرهنگی. در این خصوص توضیح بدهید.**

بله، توسعه افسارگسیخته دانشگاه آزاد آسیب‌های جدی فرهنگی نیز به جامعه ما وارد کرد، یعنی دانشگاه آزاد به‌صورت ناخوaste و البته به‌دلیل غفلت از مسائل فرهنگی، یک اختلاط لجام‌گسیخته را رقم زد که باعث شد ساختار فرهنگی منسجم شهرستان‌های دور متلاشی شود. در واقع شهرستان‌هایی که ثبات فرهنگی داشتند، نهاد خانواده محترم بود و ارزش‌های اخلاقی جریان داشت، یکباره با چند هزار دانشجو روبه‌رو شدند که از نقاط مختلف کشور آمده بودند و هرکدام در این شهرستان‌ها، خانه‌های مجردی داشتند و بدون نظارت پدر و مادر و بدون نظارت دانشگاه، مرتکب رفتارهای دلخواه می‌شدند و عملا طی دو دهه بافت اخلاقی و فرهنگی بسیاری از شهرهای کوچک ما قربانی غفلت و بی‌مبالائی مسئولان دانشگاه آزاد شد و مایک نابسامانی اخلاقی و فرهنگی جدی را شاهد شدیم. به این ترتیب کاری به جایی رسید که کسانی که یک روزی تأسیس دانشگاه آزاد در شهرستان را نماد توسعه می‌دانستند و به آن افتخار می‌کردند در انتهای دهه ۸۰ متوجه شدند که متحمل چه زیان گسترده‌ای شده‌اند، البته حضور دانشگاه آزاد در شهرهای کوچک بعضا رونق هم به لحاظ اقتصادی به این شهرهای داد به‌طوری‌که کسانی که در کار آچاره‌دادن خانه بودند یا خدماتی را به دانشجویان ارائه می‌دادند، سود کردند یا این که دانشگاه آزاد نیروهایی را به‌عنوان کارمند یا عضو هیات علمی جذب کرد اما زیان‌های فرهنگی به قدری بود که بسیاری پشیمان شدند که چرا در شهرستان دانشگاه آزاد تأسیس شده که البته وقتی متوجه شدند که آن آسیب وارد شده بود و ساختارهای فرهنگی را به‌طور جدی دچار آسیب کرده بود.

**[۴] من قبول دارم که شهرهای زیادی از هجوم دانشجویان غیربومی ضربه‌های فرهنگی خوردند اما از آنجا که شما می‌گویید این آسیب به سبب غفلت و بی‌مبالائی مسئولان دانشگاه آزاد است این سوال پیش می‌آید که آیا دانشگاه مسئول رفتار دانشجویان در خارج از دانشگاه است و اساسا می‌توان دانشگاه آزاد را به غفلت متهم کرد؟**

البته باز هم تا یکدی می‌کنم که بحث‌های من در مورد دودهه مورد نظر است نه الان، چرا که اکنون مهاجرت از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک برای تحصیل در دانشگاه آزاد بسیار کم شده است. با این حال نکته این است که برای دانشگاه آزاد در آن مقطع صرفا پر شدن کلاس‌ها و دریافت شهریه مهم بود و این‌که این جابه‌جایی‌ها و مهاجرت جوان‌هایی که در اوج هجیان جوانی بودند و از زیر نظر نظارت خانواده‌ها خارج می‌شدند، می‌تواند چه آسیب‌هایی وارد کند اصلا برایش مهم نبود. یعنی فعالیت‌های توسعه کمی دانشگاه آزاد هیچ پیوست

**برش**

**سوگواره‌ای برای فارغ التحصیلان دانشگاه آزاد**

**[۵] پس به نظر می‌رسد با توجه به تغییر رویه‌ها در دانشگاه آزاد الان می‌تواند بهترین فرصت برای به ثمر رساندن طرح ساماندهی نظارت بر دانشگاه آزاد باشد؛ طرحی که حدود دو سال است در مجلس معطل مانده است.**

حتما قوانین بهتر و به‌روزتری می‌تواند کمک‌کننده باشد اما من مشکل را از ناحیه قوانین نمی‌بینم چون عرض این است که اگر روزی علوم، چه قبلی‌ها و چه وزیر فعلی جدیت داشتند با همین قوانین موجود هم می‌توانستند بر دانشگاه آزاد نظارت کنند اما موضوع این است که نمی‌خواهند اراده‌ای ندارند یا این که جراتش را نداشتند. البته در این میان شورای عالی انقلاب فرهنگی حتما مقصر است چون این شورا می‌توانست جلوی گسترش بی‌رویه و آسیب‌های عجیب و غریب دانشگاه آزاد را بگیرد ولی اصلا ورود نکرد. حتی متأسفانه خود دانشگاهیان کوتاهی کردند چون اساتید دانشگاه لاقل می‌توانستند نقد کنند اما نکردند. وزارت علوم دولت آقای رئیسی هم

فرهنگی - اجتماعی نداشت. پس اگر این مسائل برای مسئولان دانشگاه آزاد مهم بود این پیوست را تهیه می‌کردند و مثلا به‌عنوان یک راهکار کاری می‌کردند تا پذیرش‌ها بومی باشد. به دیگر سخن اگر مسئولان این دانشگاه مراقب مسئولیت‌های اجتماعی و فرهنگی‌شان بودند، سعی می‌کردند تا گزینش دانشگاه آزاد را لاقل در مورد دختران دانشجو بومی‌گزینی کنند اما چون این مسأله اصلا برای‌شان اهمیت نداشت، رسما اعلام می‌کرد که من فقط مسئول آموزش افراد هستم نه مسئول تربیت و فرهنگ آنها، پس در نتیجه هزاران جوان دانشجو در یک حالت رهاشدگی به سر می‌بردند. جالب اینجا بود که دانشگاه آزاد سال‌ها مقاومت می‌کرد که فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه رخ ندهد به‌طوری‌که نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه آزاد با تأخیر تقریبا ۱۰ ساله ایجاد شد. جالب‌تر این که وقتی انتقاده‌ها به دانشگاه آزاد خیلی زیاد شد، مسئولان آن سعی کردند تا دفتر این با عنوان دفاتر فرهنگی اسلامی تأسیس کنند تا در هر واحد زیر نظر رئیس دانشگاه آزاد فعالیت کند، در حالی‌که این دفاتر فقط برای بستن دهان منتقدان بود و عملا قدرتی نداشتند و فعالیت جدی نمی‌کردند.

**[۶] اگر بخواهید آسیب‌های آموزشی و آسیب‌های فرهنگی که دانشگاه آزاد به گفته شما به جامعه ما وارد کرده رتبه‌بندی کنید، کدام‌یک اول است و کدام‌یک در مرتبه بعدی؟**

درست است که من از آسیب‌های گسترده فرهنگی صحبت می‌کنم اما معتقدم آسیب اول تولید انبوه مدرک بدون حداقل‌های علمی است، پس آسیب اول، آسیب‌های علمی است که همچنان ادامه دارد به‌طوری‌که ما شاهدیم در یک دهه اخیر دانشگاه آزاد تمرکزش را بر کارشناسی ارشد و دکتری گذاشته و این دو مقطع تحصیلی چنان اشباع شده که این مدارک

تحصیلی در کشور تقریبا به افراد برای یافتن شغل هیچ کمکی نمی‌کند و اگر کسی بگوید من مدرک دکتری دارم هیچ توجیهی جلب نمی‌شود چون هزاران نفر ترازسته‌اند این مدرک را با حداقل استانداردها از دانشگاه آزاد کسب کنند.

**[۷] در موضوع آسیب‌های آموزشی دانشگاه آزاد آیا علاوه بر مدرک دادن‌های قله‌ای (به تعبیر من) آیا شما مشکل دیگری را هم مشاهده می‌کنید؟**

به اعتقاد من بخشی از مشکل این است که افراد با داشتن مدرک تحصیلی از دانشگاه آزاد به آرزوی خود که یافتن شغل بود، نمی‌رسیند. علاوه بر این، این دانشگاه ارزش مدرک علمی، علم، دانشجو و دانشگاه را هم به‌شدت کاهش داد و سطح علمی را هم در کشور تنزل داد. وقتی یک دانشجو در دانشگاه خوب آموزش ببیند وقتی وارد بازار کار می‌شود کیفیت، مهارت و سواد دارد، بنابراین جامعه به این نتیجه می‌رسد که آموزش و دانشگاه مهم است اما

همین الان می‌تواند گزارش دهد که برای نظارت بر دانشگاه آزاد چه اقداماتی انجام داده است. البته من که تا به حال چیزی از این اقدامات شنیده‌ام. الان دانشگاه آزاد بی‌محایا و بدون ترمز دارد دوره‌های دکتری‌اش را توسعه می‌دهد. بخ وزارت علوم باید وارد حوزه‌ها شود و اقدامات این دانشگاه را بررسی کند. به اعتقاد من اگر تهرای دکتری در دانشگاه آزاد یک بار از زیبایی بودن آن وقت یاد سوگواره برگزار کنیم، با این حال من افراد پرتلاش و یاسوادی را سراغ دارم که با سعی و زحمت خود از دانشگاه آزاد با سواد و مهارت فارغ التحصیل شده‌اند و البته اساتیدی را که با شرافت در این دانشگاه درس داده‌اند و زحمت کشیده‌اند. پس این که بگوییم دانشگاه آزاد کاملا منفی است، حتما حرف غلطی است اما باید سود و زیان این دانشگاه برای کشور را بررسی کنیم. همچنین معتقدم اگر این دانشگاه نظارت‌پذیر بود و استانداردهای کیفی در آن اعمال می‌شد، سود آن برای کشور مثلا ۷۰ بود و ضررش ۲۰ اما الان به صراحت می‌گویم که دانشگاه آزاد به زیان کشور بوده چون ضررش ۶۰ درصد بوده و سودش ۴۰ درصد. موضوع بفرنج‌تر این که من در موضوع نظارت بر دانشگاه آزاد هیچ اراده‌ای در وزارت علوم و شورای عالی انقلاب فرهنگی نمی‌بینم.

الان با افرادی روبه‌رو هستیم که مدرک دانشگاهی دارند ولی سواد و توان انجام کار ندارند. در این وضعیت واضح است که جامعه به دانشگاه‌بدبین می‌شود. پس مهم‌ترین ضربه‌ای که دانشگاه آزاد وارد کرد نقشی بود که در بی‌مقدار کردن جایگاه دانشگاه و آسیب‌زدن به نهاد علم ایفا کرد. **[۸] البته دکتر الان ممکن است عده‌ای به ما بیاورد بگویند که مگر فقط دانشگاه آزاد چنین کرده و مگر می‌شود نقش دانشگاه‌های دولتی، بی‌کیفیت یا پردیس‌های خودگردان این دانشگاه‌ها که هزینه‌های گزافی هم از دانشجویان دریافت می‌کنند را نادیده گرفت.**

این پردیس‌های خودگردان دارند چه مسیری را طی می‌کنند؟ همان مسیر دانشگاه آزاد را. پس من با دانشگاه آزاد عناد ندارم، بلکه با این روش مشکل دارم، یعنی چه دانشگاه آزاد به توسعه کمی ادامه دهد و چه دانشگاه‌های دولتی پردیس‌های خودگردان راه بینازند، فرقی نمی‌کند. در واقع من با این روش مشکل دارم و نه با اسم، بنابراین اگر فردا یک نهاد سومی پیدا شود که او هم بخواهد بی‌محابا مدرک بفروشد با او هم مشکل دارم. برای روشن شدن موضوع اجازه بدهید مثالی بزنم. ما در سال‌های اخیر با پدیده‌ای به نام دانشگاه پیام‌نور هم مواجه بودیم که در شهرهای کوچک و بزرگ و دور و نزدیک شعبه داشت، شهریه هم دریافت می‌کرد اما من مشکل بی‌کیفیتی را متوجه دانشگاه پیام‌نور نمی‌دانم، چون با این که در این دانشگاه دانشجویان تقریبا سر کلاس نمی‌روند و به‌صورت خودخوان تحصیل می‌کنند اما دانشگاه سامانه‌ای را راه‌اندازی کرده بود که دانشجویا به‌صورت هماهنگ و کشوری آزمون بدهند، به‌طوری‌که اسناد نمی‌توانست به دانشجویانمره بدهد چرا که نمرات به‌صورت متمرکز داده می‌شد. در نتیجه دانشگاه پیام نور با این شیوه موفق شد اولاکیفیت متوازی را در سراسر کشور ایجاد کند و دوما چون تحصیل خودخوان

بود و نیازی به حضور دائمی دانشجو در دانشگاه نبود آن مشکلات فرهنگی که دانشگاه آزاد به وجود می‌آورد، برای دانشگاه پیام‌نور به وجود نیامد. پس من به‌عنوان یک فرد دانشگاهی با نهاد دانشگاه که نمی‌توانم مخالفت کنم، بلکه فقط نگران افت آموزشی و فرهنگی هستم که دانشگاه آزاد در آن بسیار مقصر بود. البته این نکته را بگویم که من از همه وزرای علوم در این سال‌ها لایه به لایه مندم که چرا از جایگاه و شرافت علم دفاع نکردند، چون حتی می‌توانستند در اعتراض به نظارت‌ناپذیری دانشگاه آزاد در سال‌های ۷۰ تا ۹۰ استعفا بدهند. من می‌دانم که زور این افراد به دانشگاه آزاد نمی‌رسید اما لاقل اعتراض می‌کردند که این کار را هم نکنند. این راه‌ها اشاره کردم که تعداد زیادی از نمایندگان مجلس هم در این خطا شریک بودند، چون دانشگاه آزاد در آن دهه‌هایک سیر اهین داشت که روئین‌تر شده بود و نظارت به معنی واقعی را نمی‌پذیرفت.

**[۹] این جمله شما یعنی این که دانشگاه آزاد اکنون پوست انداخته است؟**

دانشگاه آزاد تقریبا از سال ۸۸ به این سو شاهد تحولات اغلب سیاسی بود. در دوران احمدی‌نژاد ما شاهد یک نبرد میان وی و هاشمی رفسنجانی بر سر دانشگاه آزاد بودیم و در دوره حسن روحانی شاهد بازگشت قدرت آقای هاشمی و عقب‌نشینی احمدی‌نژاد بودیم. پس دانشگاه آزاد از آن سال به بعد عملا میان جناح‌های قدرت دست به دست تا این که با ورود رهبر انقلاب، این دانشگاه سمت و سوی دیگری پیدا کرد. در دو سه سال اخیر هم این دانشگاه دارد تلاش‌هایی را برای مراقبت از نفیضش انجام می‌دهد که البته رضایتبخش نیست ولی به‌هر حال به دلایلی سیاست توسعه کمی‌اش را تا حدودی مهار کرده است. یک بخش از این ماجرا هم به این علت است که الان تقاضای چندانی وجود ندارد و بسیاری از واحدهای این دانشگاه دارند تعطیل می‌شوند چون دانشجویی وجود ندارد.